

# شهر آرامحله

در سومین نشست اعضای شورای اجتماعی محله ایشار مطرح شد

دهمین دوره المپیاد ورزشی در منطقه ۴ شهرداری مشهد آغاز شد

در آغازین روزاز دهه کرامت در کانون شهر بهشت محله وحید کلید خورد

## بچه‌ها مسئولیت پذیر تربیت کنیم

سومین جلسه شورای اجتماعی محله ایشار در سال جدید در حالی برگزار شد که مباحث مرتبط با دستورکار جلسه گذشته؛ یعنی اوقات فراغت، حرفه‌آموزی و استعدادیابی مهم‌ترین بحث این جلسه بود.

۲

## استقبال بازی‌های تیمی از المپیاد محلی

اهمیت ورزش در سلامت جسم و روح بر کسی پوشیده نیست. متأسفانه تغییر سبک زندگی و ماشینی و مکانیزه شدن زندگی‌های امروزی سبب شده است...

۳

## پنجشنبه بازار خوداشتغالی

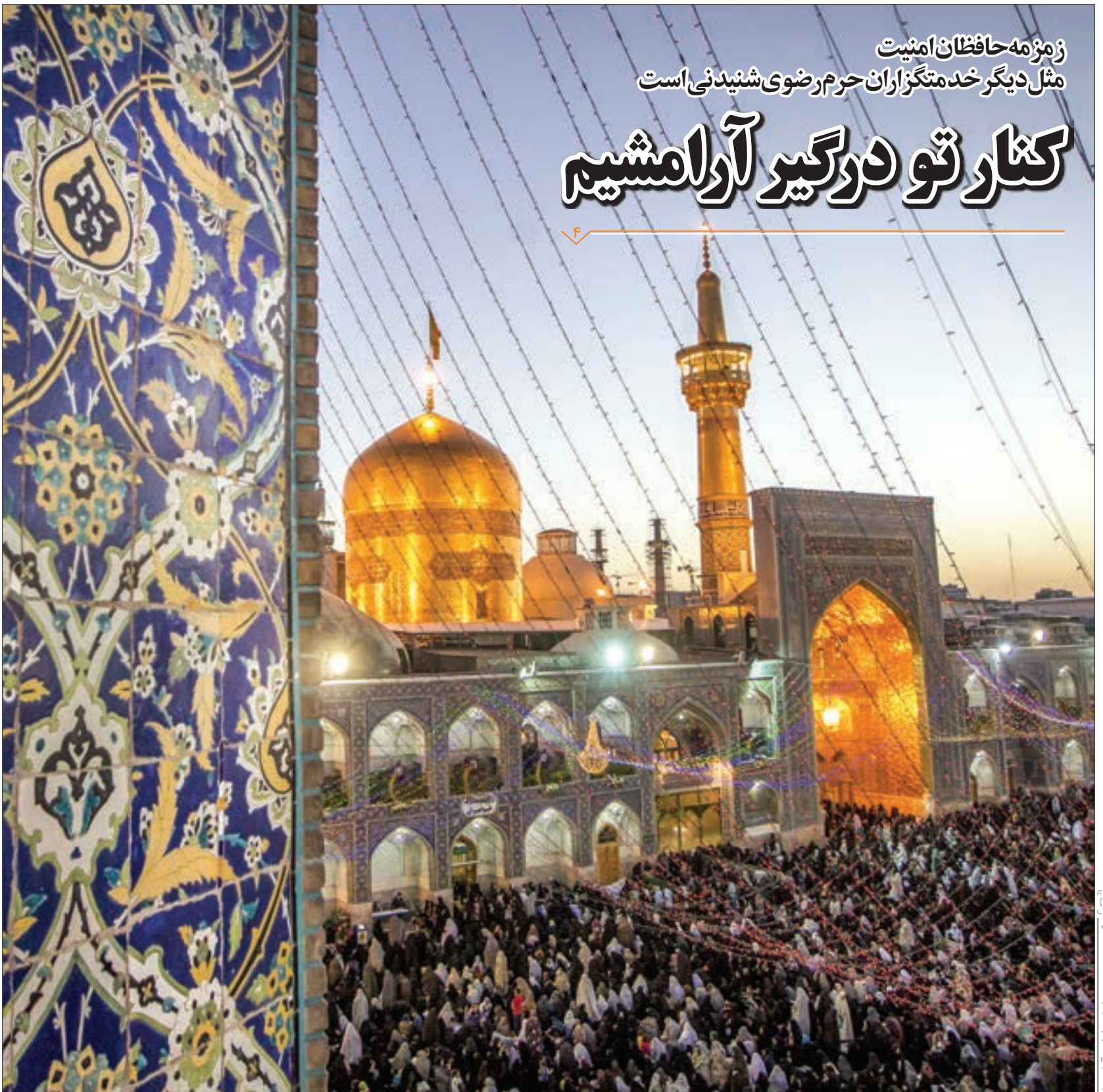
درخت آلبالوی گوشه حیاط، بوته یاس رازقی، گلدان‌های شمعدانی سرخ و سفید کنج دیوار و پنجره‌های چوبی آبی‌رنگ، حس نوستالوژیک دل‌چسپی دارد. یاد خانه باصفای مادر بزرگ که پر بود از مهربانی و صمیمیت؛ ...

۴

زمزمه‌حافظان امنیت  
مثل دیگر خدمتگزاران حرم رضوی شنیدنی است

## کنار تو درگیر آرامشیم

۴





## سلام به مهربان‌ترین همسایه

حرف اول



مهدی صالحی  
مدرس و نقاش

قلم در وصف صفات شما به اقامه می‌ایستد و صرف و نحو آرایه‌های ادبی ام بارانی می‌شود. چه رازی است در نام رضا، که از کودکی ورد زبان مادر بزرگ و مادرم بوده است؟ حال که بزرگ‌تر شده‌ام، حس می‌کنم «ر» از رتوف بودن و «صاد» از ضمانت شما می‌آید؛ اما مطمئنم هنوز هم رازهای زیادی پشت این نام بزرگ هست. داستان ضامن شدنتان را وقتی خیلی کوچک‌تر بودم و تازه به قصه‌های شیرین شبانگاهی مادرم دل می‌دادم، شنیده‌ام؛ مردی که با ضمانتش، هم صید را و هم صیاد را از بند آزاد کرد.

از پنجره اتاقم تا حریم آسمانی تو فاصله‌ای نیست؛ ای میهمانی که به میزبانی ما آمده‌ای و بدون دعوت همه را حتی از فاصله‌های دورتر از پنجره اتاق من فرامی‌خوانی و می‌طلبی. آری وقتی از نگاه کردن به عقربه‌های ساعت خسته می‌شوم، لحظه‌هایی که تنهایی و بی‌همراهی خسته‌ام می‌کند و از بغض‌های فرومانده در گلویم احساس خفگی می‌کنم، با پاهای خسته و دلی شکسته و در مانده به سوی تو می‌آیم. همین که قدم به عرصه سرای تو می‌گذارم، انگار همه چیز را فراموش کرده‌ام. انگار این نقش و نگار کاشی‌های صحن و سرایت من را جادو می‌کند و چشمانم را تر؛ از هجوم ناهم‌بانی‌های دنیا به سمت مهربان‌ترین مرد جهان آمده‌ام و پنهانده او شده‌ام. اصلاً از دنیا که بریده باشی، آن وقت دلت می‌خواهد در کنج دنج ایوان طلایی یار تکیه کنی و به تک‌تک آدم‌هایی که نمی‌دانی چه روزگار و افکاری در سر دارند، زل بزنی. مردمانی که همه دارای یک ویژگی مشترک هستند؛ آن هم برقی است که در چشمان همه آن‌ها به دلیل حضور در منزل تو می‌زند. گاهی هم به کیبوترهایی خیره می‌شوی که دلت می‌خواهد جای آن‌ها باشی و به کنبد طلایی سلطان‌شان بوسه بزنی. اینجا است که کوهی از حسرت که چرا بال برای پرواز نداری، سرت خراب می‌شود و در منجلاب حسرت هایت گم می‌شوی. ناگهان دست محبت اوست که تورا از این ازدحام به خلوت‌گه می‌رساند. یا امام رضا (ع) و احد گم‌شدگان حرم تو از نظر من کاری ندارد؛ چرا که گم‌شدن در حرم تو خود پیداشدن است.

آواز و نغمه نقاره‌خانه‌ات ترس را از دل همه ساکنان منزلت می‌شوید. انگار نجوای سلطان همه را سرمست خود کرده است و جهان را به شنیدن محتاج. شما از نسل مردان مردی هستید که پادشاهی و حکومت بر جهان، برایشان پست و ناچیز است و عشق ورزیدن و بشارت دادن، سیره آنان. کدام پادشاه است که در سرایش را به روی عوام بگشاید و بی‌بارعام، کسی را قبول کند؟ آری رضا، شمس الشموس، سلطان توس، همان پادشاه است. یارا! تو با میزبانی‌ات از ما غربت را به بند کشیده‌ای. اینجا شهر توس است، مشهد قطعه‌ای از بهشت، نه، نه، بلکه بهشت هم حسرت خاک حریم تو را دارد و جهان حسرت و امید یک نگاهت را...

پس دنیای گم‌شده ما نیازمند دستان صاحبانی است که فرزند عزیزت، مهدی موعود (عج)، صاحب پایانی اوست. کاش این جمعه جهان گرمای دستانش را حس کند تا از سر مای وجود مردمانش کم نشود. بخواه‌ای مهربان، از پروردگار مان که خواستن تو عین اجابت دعای ما است؛ چرا که نزدش عزیزی و نزدیکش... یا رضا! در پایان دل‌نوشته‌ام اعتراف می‌کنم که از وصف شما و کرم و لطف و صفایان قاصر هستم. چه رازی است در سیره خاندانتان که عام و خاص توان توصیفتان را ندارد؟ خوش‌باه حال دنیا که با آمدن تو معنای مهربانی را فهمید.

در سومین نشست اعضای شورای اجتماعی محله ایثار مطرح شد

## بچه‌ها را مسئولیت‌پذیر تربیت کنیم

● شهریه، بزرگ‌ترین دغدغه فرمانده پایگاه بسیج مسجد هدایت نیز در این نشست به نبود مکانی مناسب در محله ایثار اشاره کرد و گفت: «ما در این محله با کمبود مکانی مناسب برای اجرای برنامه‌های خود مواجه هستیم». چهارم‌حالی با اشاره به بُعد مسافت فرهنگسرای انقلاب ادامه داد: «قرار داشتن فرهنگسرای انقلاب آن سوی صدمتری، تردد را برای دانش‌آموزان محلاتی چون طلاب، علیمردانی و... سخت می‌کند». پیشنهاد چهارم‌حالی در این نشست، احداث یا اجاره بنایی با کاربری فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در محدوده محله بود. وی افزود: «فرهنگسرای انقلاب فهرستی از برنامه‌های آموزشی ارائه داده است که در صورت به حد نصاب رسیدن متقاضیان، مربی برای آموزش به این مجموعه خواهد آمد، اما وقتی بحث شهریه به میان می‌آید خانواده‌ها از ثبت نام فرزندانشان منصرف می‌شوند». نماینده ائمه جماعات محله نیز با اشاره به اهمیت و ضرورت مسئولیت‌پذیری فرزندان از سال‌های کودکی گفت: «چه خوب است از سال‌های کودکی با واگذاری کارهای کوچک خانه به فرزندان، آن‌ها را مسئولیت‌پذیر تربیت کنیم».

● اوقات فراغت و چگونگی گذران آن یکی از دغدغه‌های ما در مدرسه است؛ بیان کرد: «ما در مدارس خود شعاری داریم با عنوان «هر کلاس، یک مهارت»؛ از همین رو به دنبال مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی به دانش‌آموزان هستیم». منتظری افزود: «از همین رو در مدرسه خود کلاس‌های حرفه‌آموزی را برای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کرده‌ایم و در حال برگزاری این جلسات آموزشی هستیم». نماینده فرهیختگان محله ایثار در ادامه بیان کرد: «آموزش رویا تیک، سازه ماکارونی، هوا فضا و... در کنار آن برنامه‌های ورزشی چون آموزش شنا، ژیمناستیک و... را هم برای دانش‌آموزان علاقه‌مند در نظر گرفته‌ایم». وی با بیان اینکه امکانات آموزشی و تفریحی این مرکز می‌تواند در اختیار کل دانش‌آموزان محله قرار گیرد، ادامه داد: «ما برای دانش‌آموزان مدرسه خود یک زمان آموزشی شنا گرفته‌ایم که بسیار مقرون به صرفه است. در صورت تقاضای دوستان شورای اجتماعی یک نوبت دیگر را هم می‌توان با همان هزینه اندک برای دانش‌آموزان متقاضی شرکت در این کلاس‌های آموزشی قرار داد». منتظری همچنین گفت: «حتی درباره برنامه‌های آموزشی چون رویا تیک، سازه‌های ماکارونی و... اگر مسجد یا مجموعه فرهنگی اعلام نیاز کند و تعداد دانش‌آموزان متقاضی به حد نصاب برسد، ما این آمادگی را داریم که با همان شرایطی که در مدرسه این برنامه‌ها را برگزار می‌کنیم، برای متقاضیان مساجد یا دیگر مجموعه‌های فرهنگی نیز برنامه آموزشی داشته باشیم».

● سومین جلسه شورای اجتماعی محله ایثار در سال جدید در حالی برگزار شد که مباحث مرتبط با دستورکار جلسه گذشته؛ یعنی اوقات فراغت، حرفه‌آموزی و استعدادیابی مهم‌ترین بحث این جلسه بود. در ابتدای این نشست، رئیس شورا با اشاره به آنچه در جلسه گذشته بیان شده بود، گفت: مبحث حرفه‌آموزی و پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان، مبحثی مهم و آینده‌ساز است که بهتر است این مهم از سوی متولیان امر مورد توجه ویژه قرار گیرد. مهندس عمرانی در ادامه با بیان اینکه چه خوب است دانش‌آموزان ما در کنار درس و تحصیل در ایام فراغت در راستای آموزش هنر و حرفه‌ای خاص برنامه مدونی نیز داشته باشند، بیان کرد: «اهمیت این موضوع سبب شده است شورای اجتماعی محله ایثار چگونگی گذران اوقات فراغت، استعدادیابی و حرفه‌آموزی دانش‌آموزان را در دستور کار خود قرار دهد». وی در ادامه، شناسایی ظرفیت‌های ورزشی، هنری، علمی و... را دیگر دستور کار این جلسه شورا برشمرد و از حاضران خواست تا نظرات و پیشنهادهای خود را در این باره مطرح کنند.

● هر کلاس، یک مهارت مدیر مدرسه عرفان، اولین نفری بود که در این باره به ایراد سخن پرداخت. او با بیان اینکه مبحث



چه خوب است از سال‌های کودکی با واگذاری کارهای کوچک خانه به فرزندان، آن‌ها را مسئولیت‌پذیر تربیت کنیم



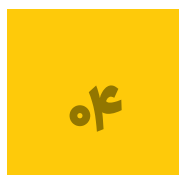
دریافتی به قلم دوربین

### فرهنگسرای انقلاب در سومین روز دهه کرامت برگزار کرد

## جشنی کاملاً دخترانه

این مجموعه فرهنگی تجربه کردند. دفنوازی دختران هنرمند گروه وصال، هنرنمایی کودکان و نوجوانان رزمی کار کانون بهشت، تقدیر از دختران شایسته منطقه که رتبه‌های برتر در جشنواره‌های جابربین حیان و خوارزمی را کسب کرده بودند و... از دیگر برنامه‌هایی بود که در سومین روز از دهه کرامت و در جشن بزرگداشت مقام دختر در سالن اجتماعات فرهنگسرای انقلاب اجرایی شد.

جشن بزرگ دختران به مناسبت زادروز کریمه حضرت معصومه (س) و روز دختر، برنامه‌ای بود که در سومین روز از این دهه در فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. دخترانی که به همراه مادرانشان در این جشن حاضر شده بودند، روزی متفاوت و پرشوری را در



با حضور متخصصین این حوزه در نگارخانه شهر واقع در میدان شهدا برگزار شد. وی افزود: گروه ۴ نفره شهرداری منطقه ۴ متشکل از مسئولان این منطقه با ارائه ایده «استفاده از تشکلهای مردم نهاد جهت همکاری و دریافت عوارض شهرداری در محله میثم» در کارگاه ایده پروری خلاقینو شرکت کردند.

شهرداری منطقه ۴ با ارائه ایده های خلاقانه، یکی از شرکت کنندگان کارگاه ایده پروری با ۴ محور موضوعی حوزه های اقتصادی، توسعه پایدار، سیاست گذاری مالی و خلاقیت بود. غلامی گفت: این کارگاه با هدف ایجاد فضایی جهت سنجش ایده های خلاقانه



دهمین دوره المپیاد ورزشی در منطقه ۴ شهرداری مشهد آغاز شد

## استقبال بازی های تیمی از المپیاد محلی

ورزشی می باشد. احتشام نیا همچنین با بیان اینکه در این المپیادها بانوان هم می توانند حضور داشته باشند، به فضاهای در نظر گرفته شده برای ورزش بانوان در منطقه نیز اشاره کرد و گفت: از بوستان ها و پارک های شهر مشهد چند بوستان برای بانوان در نظر گرفته شده که ۲ بوستان به منطقه ۴ اختصاص یافته است. به گفته مسئول تربیت بدنی منطقه ۴، ۲ سایت ورزشی در بوستان های بهشت و ارم که به ترتیب در بولوار نبوت و بولوار پنجن تن می باشد، مخصوص بانوان است. وی در ادامه در خصوص رشته هایی که بانوان علاقه مند به ورزش می توانند در دهمین المپیاد ورزشی محلات شرکت داشته باشند، اشاره کرد و گفت: بانوان ورزشکار منطقه نیز در صورت تمایل می توانند برای حضور در بازی های تیمی و انفرادی اقدام و ثبت نام کنند. احتشام نیا در پایان با بیان اینکه ۳۱ شهریور ۹۸ آخرین مهلتی است که می توانیم برنامه نهایی نتایج مسابقات برگزار شده را به دبیرخانه دائمی محلات ارائه دهیم، گفت: توزیع جوایز این سری از رقابت ها بر اساس رتبه های اول تا سوم خواهد بود. در بخش تیمی نیز برترین ها به هیئت های ورزشی و لیگ های استانی معرفی می شوند. مسئول تربیت بدنی منطقه ۴ در پایان اظهار داشت: علاقه مندان به شرکت در دهمین دوره المپیاد ورزشی محلات برای ثبت نام می توانند تا سی و یکم تیرماه به امکان ورزشی منطقه ۴ شهرداری مشهد مراجعه کنند یا با شماره های ۳۲۷۴۵۰۰۶، ۳۲۵۰۸۸۸۰، ۳۱۲۹۳۹۹۵ و ۳۲۵۸۷۶۷۴ تماس حاصل فرمایند.

که هر سال با آغاز تعطیلات تابستانی در قالب طرح اوقات فراغت شروع می شود. علیرضا احتشام نیا با بیان اینکه مسابقات المپیاد محلی در برخی رشته ها تا شش ماهه دوم سال نیز ادامه دارد، افزود: این رقابت ها در ۲ مرحله منطقه ای و شهری برگزار می شود. مسابقاتی چون فوتسال، فوتبال، والیبال و بسکتبال در سطح منطقه ای برگزار می شود و در مرحله بعد تیم های برتر به مسابقات شهری راه پیدا می کنند؛ اما در مسابقات رزمی و برخی رشته های انفرادی چون کشتی، پینگ پنگ، دارت و فوتبال دستی از علاقه مندان شرکت در این رشته ها مستقیم از منطقه ثبت نام می شود و به مرحله شهری معرفی می شوند. این رقابت ها به صورت منسجم و یکپارچه به میزبانی یکی از مناطق شهرداری برگزار می شود. مسئول تربیت بدنی منطقه با اشاره به رده های سنی که می توانند در این المپیاد محلی شرکت کنند، گفت: مسابقات در ۴ رده سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان برگزار می شود. احتشام نیا افزود: با توجه به تجربه المپیاد های سال های گذشته، پیش بینی می شود در بازی های تیمی چون فوتسال، فوتبال، والیبال و بسکتبال بیشتر از ۲۰۰ تیم محلی برای حضور در مسابقات اعلام آمادگی کنند. وی در ادامه به سالن ها و زمین هایی که محل برگزاری این رقابت ها است، اشاره کرد و افزود: سالن های ورزشی بهشت (نبوت ۴۲)، آرامش (پنجن تن ۵۵)، بسیج (بابانظر ۳۵)، ارم (پنجن تن ۴۵)، مجموعه ورزشی میثم (میثم جنوبی ۳۲) و چمن های مصنوعی بوستان های بهشت و ارم مکان های برگزاری این المپیاد

اهمیت ورزش در سلامت جسم و روح بر کسی پوشیده نیست. متأسفانه تغییر سبک زندگی و ماشینی و مکانیزه شدن زندگی های امروزی سبب شده است تا روز به روز بی تحرکی و خمودگی افراد جامعه افزوده شود. تحقیقات نشان داده است ورزش علاوه بر اینکه از ابزار حیاتی در حفظ سلامت جسم به شمار می رود، می تواند رابطه نزدیکی نیز با بهداشت و سلامت روان داشته باشد. در واقع ورزشی که مرتب و منظم انجام شود، از اضطراب و افسردگی می کاهد و در مقابل، اعتماد به نفس را در فرد افزایش می دهد. از اتفاقات خوبی که در سال های اخیر در شهرهای ما در راستای تشویق عموم مردم به ورزش رخ داده است، افزایش مکان های ورزشی و همچنین برپایی مسابقات و برنامه های ورزشی در مناسبتهای و برنامه های مختلف است. برگزاری المپیاد های ورزشی محلات از جمله این حرکت های خوب و موفق در راستای سوق دادن عموم مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به شمار می رود. امسال نیز با آغاز فصل گرم و شروع تعطیلات تابستانی، دهمین دوره المپیاد ورزشی محلات در مناطق سیزده گانه شهرداری مشهد فعالیت خود را از سر گرفته است. مسئول تربیت بدنی شهرداری منطقه ۴ در خصوص نحوه و شرایط برگزاری این المپیاد ورزشی گفت: این مسابقات تنها مسابقات رسمی شهرداری هاست

۳  
فاطمه سیرجانی  
خبرنگار



### استعدایابی شود

سهرابی، دیگر فرد حاضر در این نشست، بود که به موضوع استعدادیابی اشاره کرد و گفت: «اما برای هر کار بزرگی که ممکن است بازدهی خوبی داشته باشد، سرمایه گذاری می کنیم. فرزندان ما، بزرگترین سرمایه های زندگی هر کدام از ما هستند. اگر امروز برای استعدادیابی و شکوفایی توانایی ها و استعداد های آن ها هزینه کنیم، بی تردید نتیجه اش را خواهیم دید.» وی افزود: «در اینجا علاوه بر اینکه به مدیریت هزینه کرد از سوی خانواده ها نیاز است، به حمایت از سوی شهرداری و شورا نیز برای تأمین مکان مناسب و هماهنگی با استادان و مربیان کار بلد برای برگزاری کلاس های آموزشی نیاز داریم.»

### زمینه سازی برای کشف استعدادهای محلی

نماینده کسبه در این شورای اجتماعی محله نیز با تأکید بر موضوع استعدادیابی گفت: «شورای اجتماعی می تواند از ظرفیت فضاهای بازی که در برخی محیط های پر رفت و آمد محله است، برای اجرای برنامه های هنری، ورزشی و... برای جذب علاقه مندان و کشف استعدادهای پنهان منطقه استفاده کند.» بهزادی با اشاره به فضای باز متروی خیابان طبرسی گفت: «اجرای تئاتر های خیابانی، بازی ها و ورزش های جوان پسندی چون پارکور که جذابیت زیادی برای بیشتر نوجوانان و جوانان امروزی دارد و... می تواند علاوه بر ایجاد روحیه نشاط و شادابی در محله، زمینه کشف استعدادهایی را در این حوزه ها فراهم آورد.» در پایان سومین نشست اعضای شورای اجتماعی مصوب شد: موضوع استعدادیابی از طریق اجرای برنامه های هنری، ورزشی در فضاهای باز منطقه بررسی و در صورت امکان اجرایی شود.





زمزمه حافظان امنیت مثل دیگر خدمتگزاران حرم رضوی شنیدنی است

# کنار تو درگیر آرامشیم

گل دفتر

۶۰

فاطمه سیرجانی

زیارت، وقت و زمان ندارد. این گفته من نیست؛ موج آدمهایی می‌گوید که هر ساعت از شبانه‌روز در صحن سقاخانه، رواق‌ها و صحن‌ها، زیر شبستان‌های مسجد گوهرشاد و... متراکم و کنار هم نشسته‌اند و هرکدام با زبان دل خود حرف می‌زنند؛ بی‌تکلف، راحت، صمیمی و بی‌هیچ تشریفاتی. آدم‌ها اینجا خودِ خودشان هستند؛ خودشان و آقایی که بامرام است، که مهربان است، که عزیز است و شهره و به علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع) معروف است. آدم‌ها هیچ کدامشان شبیه دیگری نیستند. با لباس‌هایی که فرق می‌کند و لهجه‌هایی که شهری مشخص دارد، اما بعضی‌ها متمایز و خاص‌اند.

شاید هیچ کدامشان را نتوان جای دیگری جز اینجا دید. لباس‌های یکدست دارند، کت بلند و سرمه‌ای یا سیاه و گاهی هم کلاهی بر سر. روی سینه‌شان نشان طلایی آستان قدس رضوی است. بین این نشان و آن نام، یک لقب است که همه به آن افتخار می‌کنند؛ خادم حرم امام رضا(ع). انگار در عین نزدیکی، دور از دسترس‌اند. شاید به دلیل موقعیتی که برای به دست آوردنش باید مدت‌ها در انتظار باشند و تلاش کنند. خدمت در حرم رضوی اصلا ساده نیست. پروسه طولانی دارد که گاه سال‌ها زمان می‌برد. خیال نکنید نظم و امنیت یک مجموعه بزرگ و وسیع که میهمانانی از همه جای دنیا دارد، راحت باشد. این آسودگی در رفت‌وآمد، حاصل تلاش آن‌هایی است که به صورت افتخاری، رسمی و تشریفی به زائران بارگاه رضوی خدمت می‌کنند. از بین گروه‌های خدمتگزار شامل خادمان، خدمت در بازرسی‌ها

خیلی خوشایند زائران نیست؛ کسانی که مجبورند برای حفظ امنیت داخل حرم، سخت‌گیری‌هایی اعمال کنند که زائر آن را دوست ندارد. حتما شما هم با آن‌ها برخورد داشته‌اید و خادمان این مجموعه به آوردن چیزهایی که مجاز نیست، گیر داده‌اند؛ اما قبول کنید اجرای دستورالعمل و وظیفه آن‌هاست و اصلا قصد آزار دادن میهمان این خانه را ندارند. آن‌ها همه تلاششان را می‌کنند تا زائر علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) دلخور از این در نرود. مقدمه خیلی فراتر از حد معمول شد. برویم سر اصل ماجرا و اینکه در دهه کرامت فرصت هم‌نشینی و گپ زدن با برخی از خادمان این درگاه فراهم شد. دربانان، کفشداران و فراشان از خاطراتشان گفتند؛ اما کنار این‌ها هستند کسانی که برای حفظ امنیت تلاش می‌کنند و وقتش رسیده‌است که به تک‌تک آن‌ها هم خدقوتی بگوییم.



## ● بیمه امام هشتم(ع) شدیم

سیدحمزه زارع و حمید نصیری را از بین خادمان بازرسی برای گفت‌وگو انتخاب کردیم. یکی با تجربه ۲۲ سال خدمت و دیگری در ابتدای مسیر و با تجربه ۴ سال خدمت.

سید، بازنشسته سپاه است؛ پخته و دنیادیده. سال‌های جوانی‌اش را در خط مقدم جنگ گذرانده و به نوعی دیگر خدمت کرده است و بعد از این دوران مصمم می‌شود که هفته‌ای یک روز را در حرم باشد. لابه‌لای حرف‌ها به تاریخ تولدش اشاره کوتاهی می‌کند؛ ۱۳۲۵. بی‌هیچ حرفی از کودکی و نوجوانی، سراغ سال‌های جنگ می‌رود.

محال است خاطرات آن روزها و عملیات‌های مختلف

جنگی از خاطر من بیرون. روزهای آتش و خمپاره دهلاویه، آزادسازی این شهر و شهرهای دیگر، گلوله‌هایی که هم‌زمانم را جلو چشمانم از پا انداخت و شهیدشان کرد و هنوز هم به یاد آوردنش اذیتم می‌کند. خیلی‌ها چشم، دست یا پاهایشان را از دست دادند، حتی خمپاره سرشان را برد اما روی اراده بچه‌ها تأثیر نداشت. خلوص آن‌ها با این چیزها کم‌رنگ نمی‌شد.

بسیجی بودم و در حوزه ۶ مالک مسجد امام حسین(ع) خدمت می‌کردم. جنگ که شروع شد، بزرگ و کوچک نمی‌شناخت؛ همه برای رفتن و جنگیدن پیش‌قدم شده بودند. این‌ها که تعریف می‌کنم، مخلصانه و با اشتیاق تمام بود. خدا حافظ همه آدم‌های خوب باشد. فرمانده این حوزه که تعریفش را می‌کنم، از آن آدم‌های

مخلص و باصفا بود که فقط برای خدا کار می‌کرد. او روی من و افرادی امثال من خیلی تأثیر گذاشت. من هم با خیلی‌های دیگر عازم شدم.

از شروع جنگ تا پایانش ۸ سال زمان برد. همه ایام درگیر جنگ و در رفت‌وبرگشت بین خط مقدم بودم. میدان جنگ، شوخی نداشت. هر بار که می‌رفتم، امکانش خیلی زیاد بود که برنگردم. تمام این سال‌ها خیلی‌ها مثل من درگیر جنگ بودند و حرف‌هایی که خیلی‌های دیگر زده‌اند، تکرار کردن ندارد؛ اما دستاوردها را با هیچ چیز نمی‌شد عوض کرد. جنگ به ما آموخت که دشمن بین جمعیتی که با هم یک‌رنگ و یک‌دل است، نمی‌تواند نفوذ کند. نکته طلایی که باعث پیروزی ما شده بود، همین بود. خودمان را بیمه

امام هشتم(ع) کرده بودیم. مثل من خیلی‌های دیگر از مشهد خودشان را به امام رضا(ع) سپرده و آمده بودند خط مقدم؛ اما اینکه می‌گویند جنگ روح آدم را بزرگ می‌کند، واقعیت دارد. ایثار و ازخودگذشتگی و فداکاری هر جا که باشد، آدم را از حالت معمولی و عادی پیش‌تر می‌برد.

سال‌های سختی بود؛ بی‌آبی، گرما و سرما و هراس از اینکه هر لحظه گلوله جانت را بگیرد، نمی‌گذاشت خیلی راحت زندگی کنیم؛ اما خوب بود. این «خوب» را که می‌گویم، خیلی پررنگ‌تر از حرفی است که الان می‌زنم و چشم‌هایمان را به دنیای تازه‌ای باز کرد.

به اینجا که می‌رسد، شلوارش را تا زانو بالا می‌زند و ادامه می‌دهد؛ گلوله، مستقیم به پام خورد. ترکشی هم

هم‌زمان با دهه کرامت، دلدادگان حضرت (رضاع) بیش از ۲۰۰ هزار گل‌بوته، شاخه گل و درختچه باکیفیت و... را برای تزئین صحن و سرای حرم مطهر رضوی اهدا کردند.

این گل‌ها که از انواع شمع‌دانی، راز یخی، کاج، داوودی و... بود، برای زیباسازی

ورودی‌های اصلی حرم، صحن‌ها، نهارخانه و آب‌نماها استفاده شد.

زیباسازی صحن و سرای حضرت علی‌بن‌موسی‌رضاع) با آغاز دهه کرامت و ولادت حضرت معصومه(س) آغاز شد و در روز میلاد آن حضرت(ع) با گسترده شدن فرشی از جنس گل و مزین به القاب آن حضرت به اوج خود رسید.

### ● زیارت از ته قلب باشد

دیده‌اید می‌گویند زیارتی که از ته قلب باشد، به دل می‌نشیند؟ این را گفتم که برایتان از عزاداری‌ها در ماه محرم و صفر تعریف کنم. یک گروه آذری آمده بود مشهد. نوحه‌خوان می‌خواند و گریه می‌کرد. مثل خیلی‌های دیگر ایستاده بودم به تماشا. صدای مداح که بلند می‌شد، دلم آتش می‌گرفت. باور کنید این را که می‌گویم، از ته قلبم است. مداح آن‌قدر ساده و از ته دل می‌خواند و عزاداری می‌کرد که ناگافل پیر و جوان ایستاده بودند پای دسته عزاداری و اشک می‌ریختند. گفتم یا امام (رضاع) چه جادویی به این کلمه‌ها و لحن می‌دهی که دل را این‌قدر می‌سوزاند؟ برخی از عزاداری‌ها آتش به دل آدم می‌اندازد؛ از بس بی‌ریا و پاک و صادق است.

### ● همه گزینش شده‌اند

بعضی از حرف‌ها هست که دلگرم‌مان می‌کند. یک روز بنده خدایی آمد و گفت: سال‌ها می‌آیم و می‌روم ولی حتی یک خادم بداخلاق ندیده‌ام؛ یعنی برای اخلاق گزینش می‌شوند. پاسخش را با خنده دادم و گفتم اینجا همه گزینش شده‌اند؛ حتی خود شما که داری با من حرف می‌زنی، اگر گزینش نشده بودی، هیچ‌وقت نمی‌توانستی برای زیارت امام (رضاع) به حرم مطهر مشرف شوی.

### ● قرآن را کتابت می‌کنم

خوش‌نویسی هم می‌کنم. این را نگفته بودم. نمی‌دانم قابلش هستم یا نه؛ اما همین ذوقی که دارم، در نوشتن و کتابت قرآن به کار گرفته‌ام و بیست‌وچند جزء را تا به حال کتابت کرده‌ام. امیدوارم حضرت هم کمک کند و عاقبت به‌خیرم کند. شما هم دعا کنید.

### ● مدافع حرم هستم

خودش را این‌طور معرفی می‌کند؛ خادم افتخاری و مدافع حرم. نام مدافع حرم، بارگاه بی‌بی زینب(س) را به خاطرمان می‌آورد؛ اما محمد نصیری می‌گوید: مدافع حرم حضرت (رضاع) هستم، متولد ۵۷ هستم و ۴ سال در یگان حفاظت حریم حرم خدمت می‌کنم. صحبت‌ها و حرف‌هایش همان گفته‌های زارع است. خوش‌حالم بین این جمع هستم؛ با روایت‌های تازه‌ای که هر روز تکرار می‌شود. از اشک شوق و اشتیاق تا آرامش و امید. این‌ها را که می‌گویم، به‌واقع دیده و به آن رسیده‌ام که حرفش را می‌زنم. مقدمه آوردم تا بگویم می‌دانم بازرسی در هوای گرم خلق خیلی‌ها را تنگ می‌کند ولی مطمئن هستم مردم این‌ها را می‌فهمند و به خاطر حضرت هم که شده، مراعات می‌کنند. ما آمده‌ایم تا خدمت کنیم و آن‌ها هم که برای زیارت آمده‌اند، اگر خودشان را خدمتگزار بدانند، همه‌چیز حل می‌شود؛ به همین راحتی. ■

سر داد زدم خوب می‌دانی برای اولین‌جا باید از کجا بیاوری. آفرین به تو! روحانی نگاهم کرد و خندید و رفت. پیش خودم فکر کردم چه جایی بهتر از اینجا که آدم برای اولین‌بار چشم‌هایش را رو به گنبد طلای آقا علی‌بن‌موسی‌رضاع) باز کند. بگذارید ماجرای از پناه آوردن شتر به حرم را برایتان تعریف کنم. شتری از قصاب‌خانه متواری شده بود و تعجب همه را برانگیخته بود؛ آن هم درحالی‌که گریز از قصاب‌خانه امکان‌پذیر نیست. شتر یک‌راست به حرم مطهر آمده و پشت پنجره پناه گرفته بود. از تاریخ این اتفاق زمان زیادی گذشته بود و گاهی زاتری کنجکاو جریان را می‌پرسید و من با تکیه بر همان دانستنی‌هایی که در ذهن داشتم پاسخ می‌دادم. زمانی برای حل و فصل موضوعی گذرم به دادگاه افتاد. یک جمع چندنفره کنجکاو کرده بود که موضوع این خانواده چیست؛ هرچند خودم را سرزنش کردم که کار دیگران ربطی به من ندارد و سرم گرم کار خودم باشد. همین‌طور که نشسته بودم، متوجه حضور زن جوانی کنار خودم شدم که بدون هیچ مقدمه‌ای شروع کرد به تعریف. «خانواده مزدوری هستیم». همان که شترش به حرم پناه آورد. این را برای معرفی بیشتر آورد و نمی‌دانست چه اشتیاقی به شنیدن ماجرا دارم و امام (رضاع) چطور مقدمه این آشنایی را فراهم کرده است. خلاصه آن روز زن جوان تعریف کرد که آن شتر در مزرعه آستان قدس رضوی ۱۳ شتر به دنیا آورده و بعد از مدتی هم مرده است.

### ● پرسشی که غافلگیرم کرد

به نظرم یک خادم باید اطلاعات دینی زیادی داشته باشد. من خیلی اهل خوش‌وبش کردن و حرف زدن با جوان‌ها هستم و تا جایی که بتوانم پاسخشان را می‌دهم. یک روز یکی از همین جوان‌ها سؤال کرد که اولش غافلگیر شدم. پرسید مگر نمی‌گویید که حضرت موسی‌بن‌جعفر(ع) بیشترین سال‌های زندگی‌اش را در زندان بوده است؟ پاسخ مثبت من را که شنید، ادامه داد: پس این همه فرزند از کجا آمده است؟ برایش سؤال شده بود.

تا جایی که توانستم موضوع را باز کردم و گفتم بین پسر! حضرت موسی‌بن‌جعفر(ع) خیلی دیر به مقام امامت رسیدند و موضوع حبس و زندان حضرت موسی‌بن‌جعفر(ع) بعد از امامت بوده است. قطعاً فرزندان ایشان مربوط به دوران قبل از اقامت ایشان است.

همراهشان بود. به ظاهرشان می‌خورد جنوبی باشند. چندنفری اصرار داشتند که حتما باید وسایشان را داخل ببرند. هرقدر سعی در قانع کردنشان داشتم، بی‌فایده بود. مگر حرم جای فلاسک بردن است؟ مثل خیلی‌های دیگر دلخور شده بودند و می‌گفتند این همه راه آمده‌ایم که راحت زیارت کنیم.

### ● آدم‌های همراه

با همه این سختی‌ها، خدمت برای ما هم شیرین است. پاس ما چرخشی است و هر هفته یک نوبت می‌رسد و برای من که بیش از ۲۰ سال است هفته‌ای یک روز سر خدمت بوده‌ام، خیلی شیرین است. می‌دانید فرقی که حرم با دیگر مکان‌ها دارد، همین است که آدم‌ها خودشان هستند؛ بی‌تکلف و رها. فرقی نمی‌کند چه مقام و شهرتی داشته باشند؛ به امام که می‌رسند، همه متواضع و سربه‌زیر می‌شوند. بارها پیش آمده با احترام پاسخ کسی را که سلام کرده است، می‌دهم و بعد می‌بینم اصلاً حواسش به من نیست و یک جور عجیبی غرق درد دل کردن با امام (رضاع) است. از این صحنه که تصور کرده‌ام روی سلامشان من بوده‌ام، در دل به خود خندیده‌ام. از این لحظه‌ها کم نبوده است. پیرزن و پیرمردهایی قدخمیده هستند که زیر بار این حرف‌ها نمی‌روند. سخنشان است که بخواهند سخت‌گیری‌های ورودی حرم را تحمل کنند. حق هم دارند، حوصله‌شان کم است. شلوغی‌ها را بر نمی‌تابند؛ اما قانون همگانی است و همه افراد به رعایت آن ملزم هستند؛ اما استثنا هم داریم. یادم هست پیرمردی که قدش در حد رکوع خم بود، بی‌اعتنا به تدابیر امنیتی مرسوم، می‌خواست به داخل صحن برود. گفتم پدرجان اول باید بازرسی شوید. بنده خدا حرفی نداشت. لبخندی زد و با من همراه شد. پیری و این همه حوصله برایم عجیب بود.

### ● به کرامت‌های آقا ایمان دارم

شاید دیگران این حرف‌ها را به حساب خرافات بگذارند و باور نکنند ولی کرامت‌های مختلف در حرم خیلی اتفاق می‌افتد. موضوعی را تعریف می‌کنم و حاضریم فردی را که این اتفاق برایش افتاده، معرفی کنم. فرزند خردسال یکی از دوستان به بیماری ناشناخته‌ای مبتلا شده بود که پزشک بیماری را تشخیص نداده بود. کودک روزبه‌روز نحیف‌تر می‌شد و خانواده‌اش متوسل شده بود به حلقه اول و آخر؛ امام (رضاع). یک روز که از قضا کشیک من بود، پدرش او را روی دست گرفته بود و به حرم آوردش. آن نقطه از حرم که بیماران را دخیل می‌بندند، دیده‌اید؟ دلیلش را نمی‌دانم؛ اما فاصله بین سقاخانه و پشت پنجره فولاد برای من هم خیلی مقدس است. همان جایی که دخیل می‌بندند. بعدها که جوایب احوال فرزندش شدم، می‌گفت همان روز پاسخش را گرفته و بهبود یافته است. این اتفاق را به چشم خودم دیده‌ام که برایتان تعریف می‌کنم.

### ● روایت تازه از شتر پناهنده

کنار این جریان، آدم‌های زیادی می‌آیند که هرکدام روایتی دارند و همه‌اش به ذهن من نمانده است. صبح یکی از روزها بود که روحانی جوانی نوزادی در آغوش داشت و می‌خواست وارد حرم شود. مشخص بود فرزندش تازه متولد شده است. عجیب بود نوزادی که به قول روحانی، دیشب متولد شده بود، صبح زود آمده بود پیش امام (رضاع). روحانی جوان برای زیارت عجله داشت. همان‌طور که می‌رفت، از پشت

در شانه‌ام است. آسیب شدید موج انفجار نیز گوشم را مصدوم کرده و نمی‌توانم خوب بشنوم؛ اما با همه این‌ها دوران شیرین همراهی‌ها و همگامی‌ها بود که ما را پیروز میدان کرد.

### ● کتک هم خورده‌ایم

این‌ها از جنگ و دورانی بود که خوشبختانه خوب خودمان را نشان دادیم و بعد از آن فراغتی بود که حاصل شد و من مثل خیلی‌ها آرزوی خدمت در حرم را داشتم. به این سادگی‌ها که تعریفش را می‌کنم، نیست؛ خیلی امروز و فردا شد تا اینکه ماجرای عاشورای ۷۳ پیش آمد و بمب‌گذاری در حرم مطهر و شهادت جمعی از زائران. حرکت عجیب و غیرقابل باوری بود که یک نفر بخواهد تا دنیا دنیاست، این ننگ را کنار اسم خود داشته باشد. بمب‌گذاری که در حرم علی‌بن‌موسی‌رضاع) اتفاق افتاد، برای ایجاد بازرسی‌ها در تمام ورودی‌ها برای امنیت بیشتر اقدام شد. یک عده خدمت در این بخش را قبول کردند؛ با این تفاوت که اولش نجس بود. سخت‌گیری‌ها به‌خصوص در سال‌های اول برای زائرانی که دوست داشتند آزاد و راحت تردد داشته باشند، دست و پا گیر بود. حق هم داشتند. خادم‌های بخش خیلی محبوب مردم نبودند، اما حفظ امنیت، چنین شرایطی را ایجاد می‌کرد. اوایل کج‌خلقی‌ها زیاد بود و حتی برخی‌ها با نیروها درگیر می‌شدند و تا حد زد و خورد هم پیش می‌رفت و بچه‌های ما کتک می‌خورند. این موضوع باعث اعتراض ما هم شده بود؛ چرا باید سخت‌گیری تا این اندازه باشد که زائر معترض شود؟ اما مسئولان می‌خواستند تحمل کنیم و می‌گفتند جا افتادن و عادی شدن موضوع، زمان می‌برد و همین‌طور هم شد. چند سالی گذشت تا مردم به این شیوه عادت کردند؛ اما هنوز خیلی‌ها که از راه دور می‌آیند، همراه با چمدان و نایلون‌های محتوی سوغاتشان می‌خوانند بروند زیارت حرم و این امکان ندارد. باور کنید ممکن نیست و این همه اصرار بی‌فایده است.

### ● خادمان بر چند دسته‌اند

خیلی‌ها آرزوی پوشیدن این لباس بلند و سرمه‌ای‌رنگ را دارند. اینکه داخل حرم بایستند و با یک چوب‌پَر به عنوان خادم خدمت کنند؛ اما پوشیدن لباس خدمت برای همه امکان‌پذیر نیست. برای پوشیدن لباس خادمی، شرایطی لازم است. خادم‌ها در حرم به ۳ دسته تقسیم می‌شوند؛ خادمان افتخاری، موروثی و رسمی. خادمان رسمی کسانی هستند که خدمت را از پدرانشان به ارث برده‌اند؛ به این صورت که بعد از مرگ پدر یا ناتوانی او از انجام کار، حکم خدمت به پسر بزرگش که وارثش است، می‌رسد. به دلیل سابقه بیشتر خادمان رسمی، مکان‌های مهم‌تری در حرم به آن‌ها سپرده می‌شود. نوع خدمت آن‌ها و خادمان رسمی مثل هم است و باید هر ۸ روز، ۲۴ ساعت در حرم خدمت کنند. در طول این ۲۴ ساعت، هر چند ساعت یک‌بار شیفتشان عوض می‌شود. خادمان افتخاری همان‌هایی هستند که ثبت‌نام می‌کنند و بعد از مدتی نوبت خدمتشان می‌رسد. آن‌ها هر ۸ روز ۱۲ ساعت در حرم خدمت می‌کنند. آستان قدس هرچند وقت یک‌بار خادم افتخاری جذب می‌کند. فرشان گروهی دیگر از خدمه هستند که پوششی مشابه خادمان دارند؛ یعنی لباده و شلوار مشکی بر تن دارند و تنها در زیر نشان خدمتشان کلمه فراش حک شده است؛ اما وظیفه ما حفظ امنیت حرم است و فکر می‌کنم بیشتر ناراحتی زائران مربوط به سخت‌گیری بازرسی‌ها باشد. درگیری و عصبانیت زائران در این بخش زیاد است. وقتی مجاز به بردن برخی وسایل نیستید، چرا این‌قدر اصرار می‌کنید؟ باور کنید خودمان هم شرمند هستیم و نمی‌خواهیم به کسی سخت گرفته‌ایم؛ اما چاره‌ای نیست. یادم هست یک روز خانواده‌ای چهار، پنج‌نفره فلاسک چای





در آغازین روز از دهه کرامت در کانون شهر بهشت محله وحید کلید خورد

## پنجشنبه‌بازار خوداشتغالی

هم محلی

فاطمه سیرجانی

درخت آلبالوی گوشه حیاط، بوته یاس رازقی، گلدان‌های شمعدانی سرخ و سفید کنج دیوار و پنجره‌های چوبی آبی‌رنگ، حس خاطره‌انگیز دل‌چسبی دارد. یاد خانه باصفای مادر بزرگ که پر بود از مهربانی و صمیمیت؛ خانه‌ای پر از حس مهربانی و انرژی‌های گرم. قرار است این خانه پنجشنبه‌ها پاتوقی باشد برای بانوان محله که دستی در هنر دارند؛ بازار محلی کوچکی در دل محله قدیمی وحید.

### ● طرحی برای بانوان کارآفرین

در سومین نشست اعضای شورای اجتماعی محله ایثار بود که برپایی بازار خوداشتغالی ویژه بانوان محله به تصویب حاضران در این نشست رسید؛ مصوبه‌ای که زمینه افتتاح بازار محلی کوچک را در دل محله شلوغ و پر رفت‌وآمد وحید در آغازین روز از دهه کرامت فراهم کرد. کانون شهر بهشت، جایی است که قرار شد این بازار روز در آن فعال گردد. مدیر کانون شهر بهشت که به‌عنوان نماینده جوانان محله ایثار پیشنهاددهنده اجرای این طرح در محله وحید است، درخصوص برپایی این بازار خوداشتغالی می‌گوید: با توجه به نوع فعالیت و تعاملاتی که با خانم‌ها و دخترخانم‌های نوجوان و جوان محله دارم، متوجه علاقه آن‌ها به فعالیت‌های هنری شده بودم. همچنین دغدغه خیلی از این خانم‌ها برای عرضه کارهای هنری است و فعالیت‌هایی که در قالب‌های گوناگون ارائه می‌دهند.

فاطمه رجبی ادامه می‌دهد: از همین‌رو این تصمیم را داشتم که در محل کانون، بازار خوداشتغالی برای علاقه‌مندان راه‌اندازی کنم. با توجه به نقل مکان به این محل جدید که خانه‌ای قدیمی با حیاطی بزرگ و مصفاست، این انگیزه برای عملی کردن تصمیم جدی‌تر شد. از همین‌رو در سومین نشست اجتماعی محله ایثار این موضوع را مطرح کردم.

نماینده جوانان محله ایثار در ادامه با بیان اینکه فعلاً با ۷ غرفه، کلید کار زده شده است، ادامه می‌دهد: ان‌شاء... اگر استقبال اهالی خوب باشد، این بازار روز را هر پنجشنبه بعدازظهر در همین محل دایر خواهیم کرد.

به گفته وی شروع کار با حمایت شورای اجتماعی محله ایثار زده شده است و او امیدوار است تا با حمایت اهالی محله به‌خصوص بانوان، چراغ این بازار روشن بماند و انگیزه‌ای باشد برای آن‌هایی که به امید در اینجا بساط کارهای هنری خود را می‌گسترانند.

### ● حمایت محلی‌ها از بازارهای محلی

خنکای هوا که بیشتر می‌شود، بر تعداد بازدیدکنندگان هم افزوده می‌شود. محبوبه خانم به همراه دخترش در گذر از بازار کیف‌فروش‌ها به این خانه آمده است. او وجود بازارهای محلی را که مخصوص بانوان باشد، امری ضروری می‌داند و می‌گوید: خیلی

از خانم‌ها سرپرست خانوار هستند و با کارهای کوچکی چون سبزی پاک کردن، بافتن لیف و... خرجی یک خانواده را تأمین می‌کنند. چه خوب است که در محلات، به همت خیرین و حمایت سازمان‌های دست‌اندرکار این اتفاق خوب بیفتد، تا آن‌ها هم دغدغه مکانی برای ارائه کارهایشان نداشته باشند. نگار، هجده‌ساله در کنار مادر به تماشای کالاها ای ارائه‌شده در این بازار مشغول است. او همان‌طور که هزینه خریدش را حساب می‌کند، دنباله حرف مادر را می‌گیرد و می‌گوید: البته رونق این بازارها به تنوع کالاها و اجناس عرضه‌شده و البته تبلیغ، اطلاع‌رسانی و حمایت محلی‌ها از این بازار بستگی دارد. او که دانشجوی سال اول طراحی دوخت است، ادامه می‌دهد: وجود این بازارها می‌تواند فرصتی باشد برای بانوانی که از هنرهای خانگی چون شیرینی‌پزی، دوخت انواع پوشاک، گل‌آرایی و... بهره‌مند هستند؛ اما متأسفانه محلی برای عرضه آثار هنری خود ندارند.

### ● تبلیغ برای استفاده از ارگانیک‌ها

زهره کاظمی، یکی از غرفه‌دارانی است که به نمایندگی از جمعی از زنان سرپرست خانوار و کارآفرین در این بازار حاضر شده است تا محصولات تولیدی این بانوان را عرضه کند: ما مجموعه‌ای در منطقه ۳ و مسجد ۷۲ تن داریم که کارهای فرهنگی و اقتصادی انجام می‌دهیم. محوریت فعالیت هم تولیدات غذایی کاملاً ارگانیک و بهداشتی است؛ محصولاتی چون روغن پیه گاو که خاصیت بسیاری دارد، روغن‌های گیاهی کنججد، ارده، آفتاب‌گردان و انواع سبزیجات معطر و... هدفمان هم تبلیغ غذاها و مواد غذایی سالم و ارگانیک در برابر مواد غذایی است که برای سلامت بسیار مضر و آسیب‌رسان می‌باشد.

این بانوی فعال فرهنگی در ادامه با بیان اینکه یکی از وظایف ما در مجموعه‌ای که داریم، معرفی و شناساندن این محصولات گیاهی و ارگانیک است، می‌گوید: ما سعی می‌کنیم هر جایی که بازار خوداشتغالی برای بانوان برپاست، حاضر شویم و ضمن معرفی این مواد و محصولات، بازاری هم برای دستاوردهای بانوان مجموعه پیدا کنیم تا انگیزه‌ای برای ادامه این راه باشد.

او که بزرگ‌شده همین محله و از فعالان فرهنگی محله وحید به‌شمار می‌رود، از اینکه بازاری در یکی از محلات پرتردد منطقه برای کارهای هنری و دستی بانوان راه‌اندازی شده است، ابراز خوش‌حالی می‌کند و در پایان می‌گوید: من شک ندارم اگر خیلی از بانوان سرپرست خانوار که کارهای خانگی انجام می‌دهند، از وجود این بازار مطلع باشند، به اینجا مراجعه می‌کنند. امیدوارم اهالی محله هم با حضور و خریدشان، از این طرح خوب در محله وحید حمایت کنند.

بازار خوداشتغالی در محله وحید بین وحید ۱۵ و ۱۷ در کانون شهر بهشت، هر پنجشنبه میزبان علاقه‌مندان به بازدید از این بازار روز نوپاست. ■

اگر استقبال اهالی خوب باشد، این بازار روز را بعدازظهر در همین محل دایر خواهیم کرد



شرکت بهره‌برداری قطار شهری مشهد در شب میلاد حضرت(رضاع)، به افزایش یک ساعته سرویس‌دهی خطوط یک و دو قطار شهری مشهد اقدام نمود. وحید مبین‌مقدم، مدیر عامل شرکت بهره‌برداری قطار شهری مشهد؛

به‌منظور بهرمندی زائرین و مجاورین عزیز از برنامه‌های معنوی حرم مطهر و همچنین سایر مراسم و جشن‌های شاد سطح شهر، سرویس‌دهی خطوط یک و دو قطار شهری در شب میلاد حضرت علی بن موسی (رضاع) با یک ساعت افزایش تا ساعت ۲۳ ادامه داشت.

### پروژه‌ای که از شورای چهارم به نتیجه نرسید

## مترو راه افتاد، بی‌آرتی ماند!

در مرحله

۵۹

فاطمه سیرجانی

«زمانی این محله برای خودش برو بیایی داشت. از چهارراه برق تا چهارراه مجلسی همه مغازه‌ها پر رونق، کسب‌وکار می‌کردند و زندگی در این محله جریان داشت، اما الان نگاه کنی، خیابانی متروک که از هر ۱۰ مغازه، در ۸ مغازه بسته است و خاک می‌خورد.»

این‌ها گوشه‌ای از درد دل یکی از کسبه حدفاصل چهارراه مجلسی تا چهارراه برق است. او با بیان اینکه حدود ۷ سال است خط بی‌آرتی در خیابان طبرسی شمالی راه‌اندازی شده است، می‌گوید: اول ماه رمضان سال ۹۱ بود که کارهای اولیه راه‌اندازی این خطوط آغاز شد و عید فطر به بهره‌برداری رسید؛ درحالی‌که باید قبل از اجرای طرح، کارهای زیرساختی در این خیابان انجام می‌شد؛ از جمله تملک املاک و تعریض خیابان، احداث مسیر زیرگذر برای عابران پیاده‌ای که قصد رفتن به حرم را دارند و... اما متأسفانه بی‌آنکه این اقدامات صورت بگیرد، ایستگاه راه‌اندازی شد و بی‌آرتی کلید خورد.



امیرمقدم که ملک پدری‌اش بیش از ۶۰ سال در این خیابان است و خودش بنگاه معاملات املاک دارد، می‌گوید: تنها چیزی که در اجرای پروژه بی‌آرتی طبرسی لحاظ نشد، رضایت کسبه‌ای بود که در ۲ طرف این خیابان مغازه داشتند. در واقع با این اقدام، کل کاسبی‌ها در این محدوده فلج شد و به‌طور کل از رونق افتاد.

او که بارها به‌عنوان نماینده کسبه، پیگیر بازگرداندن شدن وضعیت خیابان طبرسی به شکل سابق بوده است، ادامه می‌دهد: در دوره قبل بارها با شهردار سابق مشهد نشست داشتیم. در آخرین جلسه پیمان فر، نماینده مجلس هم در کنار ما بود. مرتضوی در آن نشست قول داد که با باز شدن مترو، این خطوط بی‌آرتی جمع‌آوری شود و خیابان به حالت سابق برگردد، اما مترو هم حدود ۲ سال قبل به بهره‌برداری رسید و باز ما ماندیم و وعده‌هایی که عملی نشد. بعد هم که دوره شورا و شهردار قبلی به سر آمد، تمام تلاش‌هایی نتیجه ماند.

### ● آستانه‌تحملی که به سرآمده است

گازانی، یکی دیگر از کسبه که بیش از ۲۵ سال در راسته بولوار طبرسی مغازه دارد، نیز در همین خصوص می‌گوید: از روزی که خطوط بی‌آرتی اینجا راه‌اندازی شد، کاسب‌ها به بیچارگی افتادند. این محله که یک روز برای خودش آمدوشدی داشت، روزبه‌روز خلوت‌تر شد و طوری از رونق افتاد که بیشتر بازاری‌های اینجا مغازه‌ها را گذاشتند و رفتند.

وی می‌گوید: زمانی در این مغازه ساعت‌فروشی من، ۱۰ تا مشتری به‌صفت بودند تا جوابشان را بدهم، اما سال‌هاست که فقط از سر ناچاری در مغازه را باز می‌کنم. آن‌قدر روزها می‌آید و می‌رود و کسی در مغازه را باز نمی‌کند که خسته می‌شوم از این همه بی‌کاری و علافی!

گازانی ادامه می‌دهد: اعتراض‌ها و رفت‌وآمد کسبه به فرمانداری، شهرداری، استانداری و... جوابی نداد و خیلی از کسبه از سر ناامیدی به مرور در این سال‌ها گذاشتند و رفتند. او به ماجرای مرگ رهگذری اشاره می‌کند که ۲ سال قبل اتفاق افتاد و درگیری و تخریب‌هایی به دنبال داشت: ۲ سال قبل اتوبوس بی‌آرتی به خانمی برخورد کرد و آن بنده خدا درجا فوت کرد. کسبه، عصبانی از این اتفاق ریختند و شروع کردند به کندن زنده‌های ۲ طرف ایستگاه بی‌آرتی. آن شب غانله ختم‌به‌خیر شد، اما فردای آن روز یکی از مسئولان برای پیگیری ماجرا آمده بود و به ایشان گفته شد که کسبه این محله از شرایط موجود ناراضی هستند و تنها دلیل قرار

گرفتن در شرایط نابسامان بازار را وجود این بی‌آرتی می‌دانند و حرفشان هم به جایی نمی‌رسد و تحمیلی برایشان نمانده است تا در چنین وضعیتی که قرار می‌گیرند، صبوری کنند؛ چراکه سرمنشأ تمام بدبختی‌ها و از رونق افتادن کاسبی امروزشان را بی‌آرتی می‌دانند.

### ● روز سیاه کسبه طبرسی شمالی

با سبزواری در ابزارفروشی کوچکش به گفت‌وگو می‌نشینم. می‌گوید: دیگر نوشتن هم فایده‌ای ندارد. آن‌قدر رفتیم و آمدیم که خسته شدیم؛ اما باز هم امیدواریم که شهردار جوان شهرمان تدبیری بیندیشد. ناحق که نمی‌گوییم؛ سال‌ها اینجا کاسبی کرده‌ایم؛ چرا الان باید شرایطی بریمان به وجود بیاید که کاسب‌ها صبح تا شب در مغازه بنشینند و به دلیل نبود مشتری به در و دیوار نگاه کنند؟!

او به بیرون مغازه اشاره می‌کند و می‌گوید: از این در که بیرون رفتید، تعداد مغازه‌هایی که کرکره‌شان پایین است را بشمارید. آخر کدام آدم‌عاقلی در چنین وضعیت اقتصادی، کار و کاسبی را کنار می‌گذارد؟ مگر اینکه برایش توجیه اقتصادی نداشته باشد. ما امروز چشم‌انتظار یک مرد هستیم که بیاید و اوضاع کاسب‌های راسته طبرسی که به واسطه راه‌اندازی این خط کاسبی‌شان به روز سیاه نشسته است را ببینند.

سبزواری در ادامه به عرض سه‌متری خیابان که برای تردد خودروهای سواری در نظر گرفته شده است، اشاره می‌کند و می‌گوید: تابلوهای «پارک مطلقاً ممنوع» که سرتاسر این خیابان نصب شده است، یکی از دلایل نبود مشتری است؛ چون کسی اصلاً نمی‌تواند در این عرض کم خیابان شلوغی چون طبرسی پارک کند. از سویی خیلی از خودروها برای فرار از ترافیک، از بولوار مجلسی و خیابان علیمردانی تغییر مسیر می‌دهند تا در ترافیک این خیابان باریک معطل نمانند.

این کاسب قدیمی محله طبرسی اشاره‌ای هم دارد به ایامی که در آن هستیم و می‌گوید: زمانی از چند روز مانده به میلاد امام(رضاع)، وسط این خیابان با مهتابی‌های سه‌تایی پر از نور و روشنایی می‌شد، سرتاسر محله چراغانی و بین مردم نقل و شیرینی توزیع می‌شد، اما سال‌هاست که دیگر خبری از آن شور و حال دیروزی نیست. شب میلاد علی‌بن‌موسی(رضاع) با شب‌های دیگر سال هیچ توفیری ندارد. تنها تقاضای او از مسئولان، نگاه منصفانه به این قضیه است و جواب این سؤال که به کدام گناه باید کاسب‌های محله طبرسی در رزق و روزی‌شان تخته شده باشد؟! ■

### آی‌خبر

کسب‌مدال طلا و نقره مسابقات جهانی کارگران

باهمت ورزشکارانی از منطقه ۴

## افتخار آفرینان تنیس

تیم خراسان رضوی در ششمین دوره مسابقات جهانی کارگران که در تورتوسای اسپانیا برگزار شد، ۱۰ مدال جهانی به دست آورد.

در این سری از رقابت‌ها که در رشته دوومیدانی، جودو، تنیس روی میز و والیبال ساحلی در اسپانیا برگزار شد، تیم تنیس روی میز استان خراسان رضوی با حضور مجید احتشام‌زاده، هادی صبحی، عباس فروغی، احمد حکیمی، علی گلستانی و مهدی احمدی و مربیگری هاشم صحراگرد در این رقابت‌ها شرکت کرد. در این مسابقات احمد حکیمی و علی گلستانی، ۲ تن از ورزشکاران منطقه ۴ موفق شدند با کسب مدال‌های طلا و نقره جهانی، برای کشور و شهر و منطقه خود افتخار کسب کنند. ■



به همت ستاد دهه کرامت و مسجد صاحب‌الزمان (عج) برگزار شد

## جشنی پرشور برای پنجتنی‌ها

مسجد صاحب‌الزمان (عج) با آغاز دهه کرامت و میلاد حضرت معصومه(س) و برادر بزرگوارشان، علی‌بن‌موسی(رضاع)، با مشارکت و همراهی ستاد دهه کرامت به استقبال میلاد امام مهربانی‌ها رفت. به گزارش شهر آرام‌محله، هم‌زمان با شور و نشاط شهری، ویژه ایام کرامت و جشن و سرور این روزهای فرخنده، متولیان فرهنگی مسجد صاحب‌الزمان (عج) محله پنجتن نیز با مشارکت و همراهی دیگر تشکل‌ها و سازمان‌ها این ایام را پررنگ‌تر از هر سال برگزار کردند.

«طرح زیارت» از برنامه‌های ویژه‌ای بود که برای سالمندان محله پنجتن در نظر گرفته شده بود. در این طرح که با همراهی آستان قدس رضوی انجام شد، افراد سالمند و کهن‌سالان در آستانه میلاد حضرت(رضاع) به حرم آن حضرت مشرف شدند. برپایی ایستگاه‌های صلواتی و توزیع شربت و شیرینی از دیگر برنامه‌های این مسجد بود که شور و نشاط خاصی در محله برپا کرده بود. دیدار با خانواده‌های شهدا و بزرگداشت و تکریم مقام شامخ شهدا، از جمله برنامه‌های متولیان برنامه‌های دهه کرامت این مسجد بود.

همچنین در راستای زیباسازی و افزایش شور و نشاط در محله، نصب پرچم الوان و ریسه‌بندی به همت این تشکل مذهبی صورت گرفت. جشن ریحانه‌های بهشتی و برپایی نمایشگاه عفاف و حجاب از دیگر برنامه‌هایی بود که برای اهالی محله پنجتن تدارک دیده شده بود. این جشن و ویژه‌برنامه در ایام دهه کرامت و در راستای بزرگداشت مقام زن و روز دختر برگزار گردید.

آخرین برنامه این تشکل مذهبی، پیاده‌روی مسجدی‌های محله پنجتن از مسجد صاحب‌الزمان (عج)، انتهای التیمور و حرکت به سمت حرم بود. در این پیاده‌روی، ارادتمندان به علی‌بن‌موسی(رضاع) از ۵۴ مسجدی که در مسیر واقع بود، به جمعیت پیوستند تا موجی از دوستداران حضرت، صحنه‌ای زیبا از این همه عشق و ارادت به شاه خراسان را به تصویر بکشند. ■



## حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۲۲۸۸۸۸۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

## بوی بد و پارک دوبل

رضایی‌نسب: شنبه هفته قبل برنامه‌ای در فرهنگسرای انقلاب به مناسبت روز دختر برگزار شده بود که دست بر قضا من هم دعوت شده بودم. از صدمتری که وارد بولوار پنجن شدیم، پارک دوبله خودروها و بی‌توجهی به قوانین راهنمایی‌وراندگی و حداقل‌های حق تقدم بسیار اسفبار بود. از همه بدتر، بوی مشتمزکننده‌ای بود که تا وقتی در این بولوار بودیم، فضا را پر کرده بود. واقعا چرا راهنمایی‌وراندگی برای برخورد با رانندگان خاطی تدبیری نمی‌اندیشد. روی دیگر صحنه با شهرداری است؛ واقعا کسبه و مردم این محله چرا باید در این هوای گرم این بوی آزاردهنده را تحمل کنند؟!

## برگزاری جمعه شاد در بوستان‌ها

مهدوی: برنامه جمعه‌های شاد که از طرف شهرداری برگزار می‌شود، خیلی خوب است؛ اما خوب تر می‌شود که بعد از ظهرها و در بوستان‌ها و پارک‌های منطقه که خانواده‌های بیشتری حضور دارند، برگزار شود.

## جانمایی آبسردکن

صبوری: چه خوب است در منطقه ما به خصوص در مسیرهای خیلی شلوغ و پرتردد آبسردکن‌هایی جانمایی شود.



۱۳

### علفزنی بیش از ۳۰ هزار مترمربع از زمین‌های بایر

جلسه شورای سلامت منطقه ۴ با حضور مسئولان شهرداری منطقه ۴ و نمایندگان از ادارات مپ، دام پزشکی، مدیریت محیط زیست، نیروی انتظامی و... برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، در این جلسه که با دستورکار استقبال از عید قربان و سامان دهی جمع‌آوری فاضلاب‌های خانگی برگزار شد، گزارشی از اقدامات شهرداری منطقه در خصوص موضوعات مختلفی همچون کنترل و رفع نقص آب‌سردکن‌ها و سقاخانه‌های منطقه، تخلیه و پلمب انبارهای ضایعات، جمع‌آوری زباله‌گردها و... ارائه شد. همچنین علفزنی بیش از ۳۰ هزار مترمربع از زمین‌های بایر منطقه به منظور جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های سالک از دیگر موضوعاتی بود که در این نشست مطرح شد. دیگر موضوع مطرح شده در این جلسه، لای‌رویی مستمر کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی بولوار پنجن بود که با توجه به فصل گرما، ورود فاضلاب خانگی موجب انتشار بوی نامطبوع در این محدوده شده است. قرار شد علاوه بر لای‌رویی، از طریق نصب موتور جت و هوادهی در کانال، این مشکل برطرف شود. ■



۱۲

### جشنواره تفریحی و ورزشی تابستانه به همت شهرداری منطقه برگزار شد

شهردار منطقه ۴: جشنواره تفریحی و ورزشی تابستانه هم‌زمان با ایام ولادت حضرت معصومه (س) و امام رضا (ع) با محوریت فراهم کردن محیطی مفرح برای خانواده‌ها برگزار گردید.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، غلامی اضافه کرد: خانواده‌ها با حضور در این جشنواره از خدمات ایستگاه‌های فعال آن استفاده کردند و در محیطی شاد در مسابقات تفریحی و ورزشی که با جوایزی همراه بود، با یکدیگر به رقابت پرداختند. وی ادامه داد: جشنواره تفریحی و ورزشی تابستانه با مشارکت مناطق ۴، ۲، ۳ و ۵ در بوستان بهار، واقع در خیابان خواجه ربیع ۷، از ۱۷ الی ۲۲ تیر ماه به مدت ۶ روز برگزار گردید. شهردار منطقه ۴ شهرداری مشهد در پایان در خصوص غرفه‌های فعال منطقه در جشنواره تابستانه خاطر نشان کرد: منطقه ۴ در این جشنواره دارای ۸ ایستگاه جدید و خلاقانه شامل بازی‌های کودکان، بازی‌های فکری و برنامه‌های مخصوص خانواده‌ها بود. ■



۱۱

### اجرای ویژه برنامه‌های دهه کرامت با مشارکت تشکل‌های مردمی

شهردار منطقه ۴: هم‌زمان با دهه کرامت، ویژه برنامه‌هایی متناسب با این ایام خجسته با مشارکت تشکل‌های مردمی فعال در منطقه اجرا گردید.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، غلامی اظهار داشت: این اقدامات با محوریت گروه‌های خودجوش داوطلب مردمی با اختصاص فضای مناسبی از سوی شهرداری منطقه در معابر اصلی و زائر پذیر شامل بولوارهای طبرسی شمالی و جنوبی، شهید مفتوح و مجلسی اجرا شد. وی یادآور شد: علاوه بر این ویژه برنامه‌ها، هم‌زمان با آغاز دهه کرامت، جشن‌های مختلف ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختر و ولادت با سعادت امام رضا (ع) با مشارکت تشکل‌ها در مساجد منطقه برپا گردید. غلامی در پایان اذعان داشت: به منظور زیباسازی منظر شهری و افزایش نشاط و شادابی بین شهروندان، معابر، تقاطع‌های غیرهم‌سطح، میدان‌ها و آیلند‌های منطقه با پرده‌های ستونی و بیرقی الوان فضا سازی و آذین‌بندی شد. ■



## مردمک

پیرمرد ۹۳ ساله  
محله پنجن  
که ۶۰ سال است از  
راه گل‌فروشی  
امرار معاش می‌کند

عموحسن

۱۴

عکس/داوود بهگام  
شهرآرا